

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۲۶ اکتوبر ۲۰۱۳

پایان فقر و اعدام، در پایان رژیم جمهوری اسلامی است

ماشین فقر و اعدام در زیر سایه سران حکومت باز نه ایستادنیست. این نظام برای انجام چنین وظایفی آمده است. در حقیقت اعدام مخالفان و فقر و دربدری میلیون‌ها انسان، حاصل کارکردهای جنایت‌کارانی همچون سران رژیم جمهوری اسلامیست. این نظام جامعه را به بند، و در هر دوره‌ای از حیات ننگینش، مردم را به انقیاد کشانده است. فقدان آزادی‌های اولیه سیاسی – اجتماعی و به تبع آن‌ها عدم پرداخت حقوق چندین ماهه و ناچیز کارگران، به سیاست‌های روتین حاکمان و ظالمان ایران تبدیل گردیده است. اگر چه باید اذعان نمود که تمامی نظام‌های سرمایه‌داری و علی‌رغم تفاوت‌های چند و صوری، از یک قماش‌اند و کاری به اوضاع زندگی و معیشتی توده‌های محروم و رنج‌دیده ندارند. به عبارتی حقیقی‌تر، کار و بارشان غارت اموال عمومی و هر چه انبان نمودن جیب‌های بی‌انتهای‌شان می‌باشد.

به راستی سؤال این است که آیا در چنین نظام‌هایی و از جمله در زیر سلطه رژیم وابسته و هاری همچون رژیم جمهوری اسلامی، پایانی بر اوضاع وخیم زندگانی کارگران و زحمتکشان و همچنین بر چیدن زندان و شکنجه مخالفان است؟ آیا می‌توان تصویری جدا از اوضاع دردناک فعلی که سرمایه‌داران برای میلیون‌ها انسان محروم سرتاسر جهان ساخته‌اند، را داشت؟

حاکمیت سرمایه‌داران در سرتاسر دنیا و همچنین حیات بیش از سه دهه سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نمایان‌گر این واقعیات است که زندگی در چنین سیستم و مناسباتی برای کارگران و زحمتکشان به‌مانند مرگ تدریجیست. افزایش روزانه قیم اقلام اولیه زندگی، کمر محرومان را خرد نموده است و پاسخ به هر گونه اعتراض و نارضایتی توده‌ها، سرکوب و بگیر و ببند است. به دلیل این‌که زادگی و حیات حاکمان ایران با سمت و سو دادن دم و دستگاه‌های تولیدی به سمت طبقه ظالم از یک‌سو، و به استثمار کشاندن هر چه بیشتر کارگران و دیگر توده‌های ستمدیده از سوی دیگر گره خورده است. در حقیقت بنای این نظام‌ها، با غارت و با کوچ دادن محرومان، پای ریخته شده است و انسان‌ها در آن فاقد ارزش‌اند.

مسلم است که چنین اوضاعی همگانیست و سرمایه‌داران آسایش و امنیت مردم را به پائین‌ترین حد ممکن رسانده‌اند و دنیا را رژیم‌هایی همچون رژیم جمهوری اسلامی ناامن نموده‌اند و به یمن قدرت و سلاح، و به یمن اهرم‌های

حکومتی - دولتی، بر تعرض افسار گسیخته خویش می‌افزایند، حکومت‌مداران ایران، در عمل نشان داده‌اند که منفعت‌آنی و آتی‌شان در باوری عمیق به منفعت سرمایه‌داران بین‌المللی و طبقه بالائی‌هاست. کاری به سازندگی جامعه و بهتر نمودن زندگی مردم ندارند. باور و کارکردشان در محدود و بسته نمودن فضای بالنده جامعه است. بی دلیل هم نیست که به‌عنوان متفاوت بر سیاست‌های ارتجاعی‌شان حول به بند کشیدن زنان پای می‌فشارند؛ بی دلیل هم نیست که هزاران مخالف و قربانیان نظام را دستگیر و به میدان اعدام روانه می‌نمایند؛ بی دلیل هم نیست که فقر از سر و کول میلیون‌ها انسان بالا می‌رود؛ و بی دلیل هم نیست که تاکنون هزاران کمونیست و مخالف و قربانیان نظام را از دم تیغ گذرانده‌اند و ده‌ها تن دیگر در صف اعدام‌اند.

آری به موازات به هلاکت کشاندن هزاران توده رنج‌دیده، ده‌ها تن دیگر در ایران، در صف مقدم اعدام‌اند. اوضاع ناهنجار و دردناکی که منطقه، مرز، جغرافیا و رنگ و پوست نمی‌شناسد و همه‌جا و در اقصا نقاط دنیا، سرمایه‌داران بین‌المللی، با یاری و با همکاری دولت‌ها و عناصر وابسته به‌خود دارند، سیاست‌های غیر انسانی خود را به میلیون‌ها انسان تحمیل می‌نمایند، و مردم را از میادین متفاوت مبارزاتی به عقب می‌رانند و با راه‌اندازی جنگ و تنش، جامعه را به سمت منافع و خواسته‌های دراز مدت‌تر خویش، سمت‌وسو می‌دهند. هدف، غارت اموال عمومی، کنترل و به انحراف کشاندن اعتراضات رادیکال مردمی‌ست؛ هدف کوچاندن مردم از خانه و کاشانه و از جامعه خودی، و همچنین ایجاد بلبشو توسط باندهای مسلح و ارتجاع وابسته به قدرت‌مداران بزرگ جهانی‌ست. بر مبنای چنین سیاستی‌ست که این روزها جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه، غرق در تنش و التهاب، غرق در نداری، و غرق در خون و خون‌ریزی‌ست و خلاف ساده اندیشان، چرخه و پاشنه جامعه ایران هم - و علی‌رغم جابه‌جایی دولت‌مردان -، به‌همان مسیری می‌چرخد که تاکنون چرخیده است. به این دلیل روشن که آمدن و آمدگی همه سران رژیم جمهوری اسلامی در پای‌بندی به قانون اساسی آن است؛ همان قانونی که حقوق طبقه بالائی‌ها و سرمایه‌داران را محترم می‌شمارد، و همان قانونی که کمترین خوانائی با منفعت و با خواسته‌های کارگران و زحمت‌کشان ندارد.

در حقیقت اسناد و جنایتکاری‌های بیش از سی ساله سران رنگارنگ رژیم جمهوری اسلامی آن‌چنان گویا و زیاد است که با هیچ تئوری، و با هیچ فلسفه و منطقی نمی‌توان آن را توضیح داد. همچنین تعرض به دست‌مایه‌های کارگران و زحمت‌کشان و یورش مسلحانه به اعتراضات ابتدائی توده‌های ستمدیده، مبین این واقعیات است که وظیفه مدافعان نظام و آن‌هم با تمامی دار و دسته‌هایش، چیزی جز تشدید فقر، چیزی جز پا بر جایی اعدام مخالفان و قربانیان نظام امپریالیستی نیست. با این اوصاف به انتظار نشستن پایان فقر در زیر سیطره مناسبات مبتنی بر محترم شمردن به نابرابری‌ها، ناصحیح و منحرف کننده است. چرا که خاصیت این نظام و حامیانش در تهی نمودن سفره کارگران و زحمت‌کشان و کُشت و کُشتار مخالفان است. زندگی نظام‌هائی همچون نظام جمهوری اسلامی، با نابودی زندگی هزاران انسان دردمند و با آواره نمودن میلیونی توده‌ها و با استثمار کودکان گره خورده است. سران رژیم جمهوری اسلامی حق و حقوق ابتدائی کارگران و زحمت‌کشان را سلب نموده‌اند تا به حق، بناحق‌شان بیفزایند و شکی در آن نیست که هیچ‌یک از آنان تفاوتی با دیگری نداشته و منفعت، و حیات یکی با دیگری گره خورده است و توده در مناسبات ردیف شده‌شان، کمترین جایگاه و حق و حقوقی نداشته و به‌عنوان، کالای سود ده به حساب آمده می‌آید.

بنابراین می‌توان تأکید ورزید که بدون پایان چنین روابط و مناسبت‌هائی، و بدون به زیر کشیدن دم و دستگاه‌های باز دارنده اعتراضات کارگری - توده‌ئی، نه تنها فقر و اعدام از جامعه مان رخت بر نخواهند بست بلکه دنیای انسانی، شاهد تلف شدن بیش از این زندگی و جان هزاران تن دیگر از توده‌های محروم و قربانیان نظام امپریالیستی خواهد

بود. تنها با سرنگونی و با پایان رژیم جمهوری اسلامی است که جامعه ایران از چنین فضای دردناک و گُشنده‌ای بدر خواهد آمد و مردم بیش از این در چنبره فقر و نداری غوطه نخواهند خورد، و بیش از این، شاهد به بند کشیدن و اعدام مخالفان و قربانیان نظام امپریالیستی نخواهند بود. این خواست واقعی و درونی باورمندان جامعه انسانی و جامعه فارغ از فقر و بدبختی و نکبت‌باری میلیون‌ها انسان دردمند می‌باشد.

شهریور [سنبله] ۱۳۹۲

اکتوبر ۲۰۱۳